



عنوان پایان نامه:

بررسی عقلانیت در اقتصاد اسلامی و تاثیر آن بر امنیت اقتصادی

مؤلف:

زینب شوریده بخت

ارائه شده جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته اقتصاد کرایش محض

استاد راهنما:

دکتر محمد حسین حسین زاده بحرینی

استاد مشاور:

دکتر سید محمد حسینی

اسفندماه ۱۳۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تقدیر و شکر

حمد و سپاس مخصوص خدایی است که یاری کننده بندگان در انجام هر کاری است. در ابتدا سپاسگزارم از خدای مهربان که مراد این مرحله از زندگی ما با الطاف و عنایات خود همانند سایر لحظات زندگی یاری نمود. چرا که تمامی علم و دانسته‌های من از آن اوست و آنچه اکنون پیش روی شماست ذره‌ای ناچیز از دریای بیکران و بی‌نهایت علم خداوند است که در اختیار من نهاده است.

شکر صمیمانه خود را تقدیم می‌کنم به جناب آقای دکتر حسین زاده بحرینی به عنوان استاد راهنما که با صبر و حوصله فراوان به مطالعه دقیق این تحقیق پرداختند و با پیشنهادهای سازنده و مفید و علمی ایشان بوده است که توانستم این تحقیق را با محتوایی بهتر و مفیدتر به پایان برسانم. همچنین شکر می‌کنم از جناب آقای دکتر سید محمد حسینی که به عنوان مشاور بنده در این کار، انگیزه دهنده و مشوق بنده در انتخاب این موضوع بوده اند و در طول کار بارها راهنمایی و کمک‌هایشان به من دگر می‌دادند. پیش از این از پدر و مادر عزیزم شکر می‌کنم که هر چه از اول عمر خود دارم بعد از خداوند متعال مدیون محبت‌ها، زحمات و فداکاری‌های ایشان هستم که صبورانه و دلسوزانه در هر مرحله از زندگی به راهنمایی و یاریم شتافتند و در مسیر فراگیری علم و دانش از هیچ‌گلی دریغ نکردند. امیدوارم توانسته باشم به اتمام این کار ذره‌ای از محبت‌هایشان را جبران کرده باشم. همینطور شکر می‌کنم از تنها خواهرم که به عنوان یک دوست همراهم بوده است. در پایان از همسر مهربانم شکر می‌کنم که در سختی‌ها و فرازونشیب‌های کار در کنارم بود و با حمایت‌ها و تشویق‌های ایشان بود که توانستم این کار را به پایان برسانم.

تقدیم بہ پیشگاہ مقدس

امام زمان حضرت ولی عصر (عج)

کہ بانظورش آرامش و امنیت در جہان حاکم خواہد شد.

## چکیده:

عقل یک ابزار شناخت و یکی از مبانی معرفت‌شناسی است که تأثیر مهمی بر محتوا، قلمرو و متدولوژی علم اقتصاد دارد. از جمله نظریات مهم اقتصادی بحث رفتار عقلانی و یا عقلانیت در عاملان اقتصادی است. در این تحقیق سعی شده تا ویژگی‌های عقلانیت در اقتصاد اسلامی بیان شده و تأثیر آن بر امنیت اقتصادی بررسی شود.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اسلام معتقد است، که عقل انسان به عنوان یک ابزار شناخت، دارای محدودیت‌ها و موانعی است و برای تشخیص و تصمیم‌گیری لازم است که انسان در کنار عقل خود از وحی و آموزه‌های دینی کمک بگیرد و این مطلب بر روی دیدگاه‌های انسان اقتصادی اثرگذار است. عقلانیت در اقتصاد سرمایه‌داری از نوع عقلانیت ابزاری است؛ که در آن اهداف، توسط امیال و خواسته‌های فرد تعیین می‌شود و نقش عقل تنها به تصمیم‌گیری درباره چگونگی رسیدن به اهداف محدود می‌گردد. اما عقلانیت در اقتصاد اسلامی دامنه و تعریف وسیع‌تری دارد. بر اساس این تعریف، انسان مسلمان هم در انتخاب اهداف و هم در نحوه تحقق آن‌ها از عقل خود در کنار آموزه‌های وحی کمک می‌گیرد. به عبارت دیگر، نقش عقل در زندگی یک فرد مسلمان - علاوه بر تصمیم‌گیری درباره چگونگی رسیدن به اهداف - به مداخله در انتخاب اهداف نیز توسعه می‌یابد و این امر مهم - انتخاب اهداف - به امیال و غرائز فرد واگذار نمی‌شود. بررسی شاخص‌های رایج اندازه‌گیری امنیت اقتصادی نشان می‌دهد، که همه شاخص‌های مزبور مبتنی بر عقلانیت ابزاری هستند. این شاخص‌ها در یک جامعه و اقتصاد اسلامی نیز قابل استفاده‌اند. زیرا عقلانیت ابزاری در اقتصاد اسلامی مورد توجه و قابل قبول می‌باشد. در عین حال، بی‌توجهی ابداع‌کنندگان شاخص‌های امنیت اقتصادی به کارکرد دیگر عقل که همان هدف‌گذاری برای زندگی فردی و اجتماعی انسان است باعث شده است تا شاخص‌های مزبور از جامعیت و استحکام کافی برخوردار نباشند. باز طراحی شاخص‌های امنیت اقتصادی بر مبنای عقلانیت ذاتی به ساخت شاخص‌های جدیدی منجر خواهد شد که توجه به امنیت دیگران - در کنار توجه به امنیت فرد - از مهم‌ترین دستاوردهای آن خواهد بود.

**کلید واژه‌ها:** عقل، عقلانیت، اقتصاد اسلامی، اقتصاد سرمایه‌داری، امنیت اقتصادی

عنوان	صفحه
<b>فصل اول: کلیات تحقیق</b>	
مقدمه .....	۱۳
۱-۱) مسئله اصلی تحقیق .....	۱۵
۲-۱) تشریح و بیان موضوع .....	۱۵
۳-۱) ضرورت انجام تحقیق .....	۱۹
۴-۱) سابقه تحقیقات و مطالعات انجام گرفته .....	۲۱
۵-۱) سؤالات تحقیق .....	۳۰
۶-۱) اهداف اساسی از انجام تحقیق .....	۳۰
۷-۱) نتایج مورد انتظار پس از انجام تحقیق .....	۳۰
۸-۱) روش انجام پژوهش .....	۳۰
۱-۸-۱) روش تحقیق .....	۳۰
۲-۸-۱) روش گردآوری اطلاعات .....	۳۰
۳-۸-۱) قلمرو تحقیق .....	۳۱
۴-۸-۱) جامعه آماری .....	۳۱
۱۰-۱) تعریف واژه‌ها و اصطلاحات کلیدی .....	۳۱
<b>فصل دوم: تبیین جایگاه عقل در اسلام</b>	
۱-۲) مقدمه .....	۳۵
۲-۲) مسئله شناخت و پیشینه آن .....	۳۶
۳-۲) روش های شناخت .....	۳۶
۱-۳-۲) روش های شناخت از نظر برخی اندیشمندان .....	۳۶
۲-۳-۲) روش های شناخت از دیدگاه قرآن .....	۳۷
۱-۲-۳-۲) روش حسی .....	۳۹

۴۰	..... روش عقلی..... (۲-۲-۳-۲)
۴۱	..... روش و حیانی..... (۳-۲-۳-۲)
۴۲	..... روش شهودی..... (۴-۲-۳-۲)
۴۳	..... محدودیت و امکان خطا در ابزار های شناخت از دیدگاه قرآن..... (۴-۲)
۴۴	..... عقل و جایگاه آن در اسلام..... (۵-۲)
۴۴	..... پیشینه بحث..... (۱-۵-۲)
۴۴	..... عقل از منظر اندیشمندان غیر مسلمان..... (۱-۱-۵-۲)
۵۴	..... عقل از منظر اندیشمندان مسلمان..... (۲-۱-۵-۲)
۵۵	..... معنا شناسی عقل..... (۶-۲)
۵۵	..... معنای عقل در لغت و اصطلاح..... (۱-۶-۲)
۵۷	..... معنای عقل در قرآن..... (۲-۶-۲)
۵۸	..... معنای عقل در روایات..... (۳-۶-۲)
۶۰	..... برخی تعاریف دیگر از عقل..... (۴-۶-۲)
۶۱	..... اقسام عقل..... (۷-۲)
۶۱	..... از جنبه وجود شناسی..... (۱-۷-۲)
۶۲	..... از جنبه معرفت شناسی..... (۲-۷-۲)
۶۳	..... از دیدگاه عرفا..... (۳-۷-۲)
۶۵	..... اهمیت و اعتبار عقل در قرآن..... (۸-۲)
۶۸	..... جایگاه عقل در اسلام چیست؟..... (۹-۲)
۷۲	..... نسبت عقل و دین از دیدگاه مذهب تشیع..... (۱۰-۲)
۷۴	..... دیدگاه برخی از اندیشمندان مسلمان راجع به نسبت عقل و دین..... (۱-۱۰-۲)
۸۲	..... نتیجه گیری..... (۱۱-۲)

### فصل سوم: عقلانیت در اقتصاد اسلامی و اقتصاد سرمایه داری

۸۵	..... مقدمه..... (۱-۳)
۸۷	..... مفهوم عقلانیت..... (۲-۳)

۹۳	.....انواع عقلانیت.....۳-۳
۹۵	.....دیدگاه برخی اندیشمندان غربی در مورد عقلانیت.....۳-۴
۱۰۱	.....مبانی عقلانیت در اقتصاد سرمایه داری.....۳-۵
۱۰۲	.....مبانی انسان شناسی .....۳-۵-۱
۱۰۲	.....اصل فلسفی دئیسم.....۳-۵-۱-۱
۱۰۲	.....اصل طبیعت گرایی .....۳-۵-۱-۲
۱۰۳	.....اصل انسان مداری.....۳-۵-۱-۳
۱۰۵	.....اصالت فرد .....۳-۵-۱-۴
۱۰۸	.....اصل فایده گرایی.....۳-۵-۱-۵
۱۰۹	.....رابطه اقتصاد و اخلاق .....۳-۵-۲
۱۱۱	.....معرفی الگوهای رفتار عقلانی .....۳-۶
۱۱۴	.....الگوی نفع شخصی پیش فرض علم اقتصاد .....۳-۶-۱
۱۱۷	.....ویژگی های الگوی نفع شخصی در اقتصاد سرمایه داری.....۳-۷
۱۱۷	.....هدف در رفتارهای اقتصادی، نفع شخصی.....۳-۷-۱
۱۱۹	.....محدود شدن نفع شخصی به منافع مادی.....۳-۷-۲
۱۲۱	.....جدایی ارزش ها از الگوی نفع شخصی.....۳-۷-۳
۱۲۲	.....بررسی عقلانیت غربی در سه سطح.....۳-۸
۱۲۲	.....عقلانیت غربی در سطح شناخت و معرفت .....۳-۸-۱
۱۲۳	.....عقلانیت غربی در سطح اخلاق و ارزش ها .....۳-۸-۲
۱۲۳	.....عقلانیت غربی در سطح عمل.....۳-۸-۳
۱۲۵	.....نقد عقلانیت تعریف شده در اقتصاد متعارف .....۳-۹
۱۲۶	.....نقد اصل دئیسم.....۳-۹-۱
۱۲۶	.....نقد اصل نفع طلبی یا تبعیت محض رفتار انسان از نفع شخصی.....۳-۹-۲
۱۲۹	.....نقد حسابگری انسان یا عقلانیت ابزاری صرف .....۳-۹-۳
۱۳۱	.....نقد فردگرایی لیبرال و بررسی هماهنگی منافع فرد و جامعه.....۳-۹-۴
۱۳۳	.....نقد جدایی اخلاق از اقتصاد.....۳-۹-۵



۱۳۶	۳-۱۰) مبانی عقلانیت در اقتصاد اسلامی.....
۱۳۶	۳-۱۰-۱) جانشینی خداوند.....
۱۳۷	۳-۱۰-۲) فطری بودن لذت گرایی و مطلق گرایی انسان .....
۱۳۸	۳-۱۰-۳) هدف دار بودن آفرینش انسان.....
۱۳۹	۳-۱۰-۴) مسئولیت انسان .....
۱۳۹	۳-۱۰-۵) هویت فردی و اجتماعی انسان .....
۱۴۰	۳-۱۰-۶) اعتقاد به زندگی جاوید.....
۱۴۱	۳-۱۰-۷) دو بعدی بودن انسان.....
۱۴۱	۳-۱۰-۸) انسان، عقل و وحی.....
۱۴۲	۳-۱۱) ویژگی های عقلانیت اسلامی.....
۱۴۲	۳-۱۱-۱) روش انتخاب و دست یابی به اهداف در عقلانیت اسلامی.....
۱۴۴	۳-۱۱-۲) هدف فرد در رفتار عقلانی از دیدگاه اسلام.....
۱۴۶	۳-۱۱-۳) منافع دنیایی در کنار منافع اخروی.....
۱۴۸	۳-۱۲) نمونه ای از خرد گرایی اسلامی.....
۱۵۰	۳-۱۳) بررسی عقلانیت اسلامی در سه سطح .....
۱۵۰	۳-۱۳-۱) عقلانیت اسلامی در سطح بنیادین .....
۱۵۱	۳-۱۳-۲) عقلانیت اسلامی در سطح ارزش ها.....
۱۵۲	۳-۱۳-۳) عقلانیت اسلامی در سطح ابزاری و معیشت.....
۱۵۲	۳-۱۴) نتیجه گیری.....

### فصل چهارم: بررسی تأثیر عقلانیت بر امنیت اقتصادی

۱۵۶	۴-۱) مقدمه.....
۱۵۷	۴-۲) امنیت .....
۱۵۷	۴-۲-۱) مفهوم امنیت .....
۱۵۸	۴-۲-۲) سیر تاریخی مفهوم امنیت .....
۱۶۰	۴-۳) دلایل اهمیت یافتن امنیت اقتصادی .....

۱۶۱	۴-۴) امنیت اقتصادی .....
۱۶۲	۴-۴-۱) امنیت اقتصادی در قرآن .....
۱۶۴	۴-۵) دیدگاه‌هایی در مورد امنیت و انسان .....
۱۶۴	۴-۵-۱) دیدگاه هابز .....
۱۶۷	۴-۵-۲) دیدگاه جان لاک .....
۱۶۹	۴-۵-۳) دیدگاه استوارت میل .....
۱۶۹	۴-۵-۴) دیدگاه هیوم .....
۱۷۰	۴-۵-۵) دیدگاه هایدیگر .....
۱۷۰	۴-۵-۶) دیدگاه فارابی .....
۱۷۱	۴-۵-۷) دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی .....
۱۷۲	۴-۶) عوامل تهدید کننده امنیت .....
۱۷۳	۴-۶-۱) انسان .....
۱۷۵	۴-۶-۲) دولت‌ها .....
۱۷۶	۴-۶-۳) نهادها .....
۱۷۷	۴-۷) رویکردها و شاخص‌های امنیت اقتصادی .....
۱۸۳	۴-۸) بررسی تأثیر عقلانیت بر امنیت اقتصادی .....
۱۸۴	۴-۸-۱) عملکرد شاخص‌های امنیت اقتصادی .....
۱۸۹	۴-۸-۲) کمبود برخی شاخص‌ها .....
۱۹۴	۴-۹) امنیت اقتصادی در جوامع اسلامی .....
۱۹۷	۴-۱۰) نتیجه گیری .....

### فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات

۲۰۱	۵-۱) جمع بندی .....
۲۱۰	۵-۲) نتیجه گیری .....
۲۱۲	۵-۳) پیشنهادات .....
۲۱۴	منابع و ماخذ .....

# فصل اول

## کلیات تحقیق

## مقدمه:

مسائل معرفت‌شناسی و تحلیل‌های مبنایی تأثیر مهمی بر هر علمی از جمله علم اقتصاد دارند. به عبارتی، مسائل اقتصادی را نمی‌توان از مبانی فلسفی و معرفت‌شناسی مجزا دانست، چرا که بحث‌های اعتقادی مبتنی بر یک سلسله پیش‌فرض‌های اعتقادی است. هنگامی که از معرفت‌شناسی یک علم سخن به میان می‌آید، یعنی این که مفاهیم بنیادی آن علم چیست و یا این که تئوری‌های آن چگونه و بر چه مبنایی شکل گرفته‌اند. لذا اتخاذ هر گونه مبنایی در معرفت‌شناسی می‌تواند بر قلمرو، محتوا و متدولوژی هر علمی تأثیرگذار باشد. از جمله مبانی معرفت‌شناسی، نوع نگرش به عقل و انواع آن به عنوان یکی از ابزارهای کسب معرفت است.

یکی از پیش‌فرض‌های علم اقتصاد، فرض عقلانیت در رفتار واحدهای اقتصادی است، یعنی این که واحدهای اقتصادی عقلانی رفتار می‌کنند. بحث رفتار عقلانی به اهداف و شیوه‌های دستیابی به اهداف مربوط می‌شود. این که جایگاه عقل در مورد اهداف و شیوه‌های رسیدن به آن‌ها چه باشد، از مبانی معرفت‌شناسی علم اقتصاد سرچشمه می‌گیرد و نوع نگرش هر مکتبی به آن می‌تواند بر اقتصاد آن مکتب تأثیر بگذارد.

با توجه به این مطلب با انجام مطالعات مبنایی و مقایسه آنها با مطالعات مبنایی سایر مکاتب، اندیشمندان مسلمان می‌توانند زوایای پنهان اندیشه‌های اسلامی را آشکار کنند و به نیازهای جامعه اسلامی پاسخ‌گو باشند. حاکمیت و اقتدار جوامع اسلامی و ارائه الگویی موفق از حکومت اسلامی، نیازمند همین مطالعات تطبیقی و مقایسه‌ای در زمینه‌های نظری و کاربردی است که البته مطالعات مبنایی و نظری نسبت به مطالعات کاربردی از اولویت برخوردارند. لذا مباحث نظری و تطبیقی از جمله مسائل مهم در اقتصاد اسلامی است که لازم است اقتصاددانان مسلمان با پرداختن به مسائل نظری و اعتقادی به خصوص در حوزه نظریه پردازی، کمک فکری مناسبی را در اختیار تصمیم‌گیران کلان اقتصادی کشورهای اسلامی قرار دهند. به خصوص برای کشور ایران که با حاکمیت جمهوری اسلامی زمینه اجرای بسیاری از احکام اسلامی در آن فراهم است. از این‌رو در این تحقیق به مطالعه‌ای مقایسه‌ای بین اقتصاد اسلامی و اقتصاد سرمایه‌داری پرداخته شده است.

هدف از تحقیق حاضر بررسی عقلانیت در اقتصاد اسلامی و تأثیر آن بر امنیت اقتصادی است. برای رسیدن به این هدف سه سؤال اساسی مطرح می‌شود و در طول تحقیق سعی شده است که با مطالعه منابع مرتبط به آنها پاسخ گفته شود. بعد از بیان کلیات مسئله در فصل اول، فصل دوم تحقیق به تبیین جایگاه عقل در اسلام اختصاص یافته تا با مشخص شدن این جایگاه که یکی از مبانی مهم معرفت‌شناسی است در فصول بعد به بررسی تأثیر آن بر مبحث عقلانیت پرداخته شود. در فصل سوم

سعی می‌شود تا مطالعه‌ای مقایسه‌ای بین اقتصاد اسلامی و اقتصاد سرمایه‌داری انجام شود و تفاوت عقلانیت در این دو مکتب درک شود. با بیان ویژگی‌های عقلانیت در اقتصاد سرمایه‌داری و ایرادات و نقدهایی که به آن وارد می‌شود به سراغ عقلانیت تعریف شده در اقتصاد اسلامی رفته و سعی می‌شود تا با بیان ویژگی‌های آن، تعریف و درک مناسبی از این عقلانیت مطرح شود. در فصل چهارم تلاش شده با توجه به اهمیتی که امنیت اقتصادی در جوامع دارد و تأثیرپذیری آن از مسائل اعتقادی و مبنایی از جمله عقلانیت، در مطالعه‌ای مقایسه‌ای و با بررسی شاخص‌های امنیت اقتصادی تأثیر عقلانیت در اقتصاد اسلامی و اقتصاد سرمایه‌داری بر امنیت اقتصادی بررسی شود. در فصل پایانی تحقیق به جمع بندی و نتیجه‌گیری مباحث فوق پرداخته و پیشنهاداتی ارائه گردیده است.

## ۱-۱) مساله اصلی تحقیق:

با توجه به این که عقل یکی از مبانی معرفت شناسی می باشد و این مبانی معرفت شناسی می تواند بر محتوی، قلمرو و متدولوژی هر علمی تأثیرگذار باشد؛ لذا مسئله اصلی در این تحقیق با تبیین جایگاه عقل ابتدا در اسلام، بررسی عقلانیت در اقتصاد اسلامی و مقایسه تطبیقی آن با اقتصاد سرمایه داری و تأثیر عقلانیت تعریف شده در اقتصاد اسلامی بر مبحث امنیت اقتصادی می باشد.

## ۲-۱) تشریح و بیان موضوع :

رفتار انسان اساساً تابعی از شیوه تفکر، بینش ها و دانستنی های اوست. یکی از عناصر مهم در رفتار (اقتصادی و غیر اقتصادی) انسان، شناخت هایی است که وی از راه های گوناگون کسب می کند. شناخت انواع معارف انسانی، مبادی و ابزار آنها، معیار و ملاک ارزشیابی و واقع نمایی این ادراکات و قلمرو و دامنه گسترده هر یک از آنها موضوع شاخه ای از فلسفه به نام معرفت شناسی است و یکی از راه های کسب معرفت عقل است. به عبارت دیگر، معرفت شناسی در یک مفاد کلی به بررسی منابع، ساختار و قلمرو شناخت می پردازد. برای مثال در معرفت شناسی به امکان سنجی کارکرد عقل و تجربه در شناخت مقوله مورد نظر پرداخته می شود. لذا عنصر عقل و انواع آن و حدود کاربرد هر یک از آنها و توانایی آنها در کسب معارف، در مباحث معرفت شناسی جایگاهی ویژه دارد و از این رو است که گفته می شود که عقل یکی از مبانی معرفت شناسی است. در همین راستا مناسب است که به بررسی جایگاه عقل در اسلام به عنوان یک منبع شناخت، در کنار سایر منابع شناخت، پرداخته شود.

از سوی دیگر، چیستی و چگونگی ابعاد و مسائل هر رشته مورد مطالعه، فلسفه علم آن را تشکیل می دهد و از اصلی ترین شعبه های فلسفه علم، معرفت شناسی است. در واقع زمانی که از معرفت شناسی یک علم سخن به میان می آید یعنی این که مفاهیم بنیادی آن علم چیست و یا این که تئوری های آن چگونه و بر چه مبنایی شکل گرفته اند. معرفت شناسی را می توان به عنوان یکی از پیش فرض های نظریه پردازی در علم دانست. بدین ترتیب اتخاذ هر گونه مبنا در معرفت شناسی می تواند بر فلسفه آن علم و در نتیجه بر قلمرو، محتوا و متدولوژی هر علمی تأثیر گذار باشد.

بنابراین می توان این گونه گفت که، اختلاف در مبانی معرفت شناختی اختلاف در محتوا و قلمرو همه معارف بشری، از جمله علوم اجتماعی را به دنبال دارد. لذا به کارگیری روش خاصی در کسب معرفت، ما را به معرفت ویژه ای از جهان و انسان می رساند. این معرفت ویژه، بینش خاصی را به انسان القا می کند. این بینش خاص در کنار انگیزه ها و تمایلات آدمی، رفتار خاصی را در زمینه های

فردی و اجتماعی موجب می‌شود. از سوی دیگر، اقتصاد به عنوان یک علم اجتماعی، رفتار انسانی را در روابط اقتصادی مورد بررسی قرار می‌دهد. از این زاویه، مباحث معرفت‌شناختی با دیدگاه‌ها و تحلیل‌های اقتصادی مرتبط می‌شود. تاثیر به کارگیری مبنای معرفت‌شناسی را می‌توان در سه حوزه درمورد اقتصاد بررسی کرد. این سه حوزه عبارتند از:

– تأثیر معرفت‌شناسی در متدولوژی اقتصاد، به گونه‌ای است که پذیرش نوعی خاص از معرفت‌شناسی مستلزم اتخاذ روشی خاص در بررسی مسائل اقتصادی است. شیوه‌های به کار گرفته شده در اقتصاد، نتیجه دیدگاه‌های معرفت‌شناسانه اقتصاددانان می‌باشد. اگر روش مرسوم در اقتصاد متعارف، روشی تجربی است و عمدتاً از ابزارهای ریاضی و آماری استفاده می‌شود، این رویکرد متأثر از دیدگاه معرفت‌شناختی فلاسفه قرن هفدهم به بعد است. آنان عمدتاً بر شناخت‌های حسی و تجربی تکیه کرده‌اند و دیگر شناخت‌های انسان را فاقد ارزش دانسته‌اند. همچنین آنان برای صیانت ذهن از خطا، به تدوین قواعد ریاضی ذهن پرداخته‌اند زیرا قواعد ریاضیات را برهان‌هایی عقلی می‌دانستند که فی‌نفسه بدیهی‌اند.

– تاثیر معرفت‌شناسی بر محتوای نظریه‌ها و تئوری‌های اقتصادی، بدین معناست که معرفت‌شناسی می‌تواند محتوای این نظریه‌ها را تعیین کند؛ زیرا اتخاذ نوع خاصی از معرفت‌شناسی، محتوای خاصی به نظریه‌های اقتصادی می‌هد. برای مثال با شناخت مبنای اقتصاددانان در معرفت‌شناسی، می‌توان لایه ظاهری و پوسته بیرونی نظریه‌های اقتصادی را شکافت و به هسته درونی و باطنی آنها دست یافت. به عنوان مثال، محور اصلی تحلیل‌های اقتصادی را، «انسان اقتصادی» تشکیل می‌دهد. اگر پذیرفته شود که انسان موجودی است که رفتاری عاقلانه دارد. اما از آنجا که عقل، تعاریف متفاوتی به خود دیده است و دیدگاه‌ها دربارهٔ دامنه و قلمرو شناخت‌های عقلانی متفاوت است، لذا، رفتار عاقلانه، تفاسیر مختلفی را می‌تواند بپذیرد.

– تاثیر معرفت‌شناسی بر قلمرو اقتصاد، به این مفهوم است که پذیرش نوع خاصی از معرفت‌شناسی، مستلزم تعریف قلمرو ویژه‌ای برای اقتصاد است و موضوعات خاصی را مورد بررسی قرار می‌دهد، بنابراین با نوع خاصی از ابزار شناخت تنها می‌توان معرفت خاصی را که در حوزه آن ابزار خاص می‌گنجد، به دست آورد. با ابزار حس فقط می‌توان امور تجربی را به چنگ آورد و معرفت‌های تجربی را کسب کرد. ابزار عقل، به امور کلی می‌پردازد و مفید معرفت عقلانی است. لذا، هیچ امر حسی و تجربی را نمی‌توان صرفاً با ابزار عقل شناخت. ابزار وحی، معرفت وحیانی دربارهٔ همه هستی را در اختیار ما قرار می‌دهد و شناخت ما را از نظام آفرینش وسعت می‌بخشد.

با توجه به نکات فوق می‌توان تفاوت‌های موجود بین اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف را در مبانی معرفت‌شناسی آن‌ها جستجو کرد. براین اساس بررسی و شناخت این مبانی به اقتصاددانان در حوزه‌های مختلف (تعیین متدلوژی، بیان نظریه‌ها و تبیین قلمرو مباحث) کمک می‌کند. چرا که، اقتصاددانان هنگامی می‌توانند در حوزه مکتبی اقدام به نظریه‌پردازی کنند که با مبانی آن مکتب در حوزه‌های گوناگون از جمله: فلسفه، کلام، فقه، تفسیر و حقوق آشنایی کافی داشته باشند؛ همچنان که با استفاده از این مبانی در کنار توجه به واقعیات عینی جامعه، می‌توان موضوعات و قلمرو آن مکتب را تعیین کرد. بنابراین پرداختن به عقل به عنوان یک ابزار مهم شناخت و جایگاه آن در اقتصاد اسلامی، می‌تواند راه‌گشایی برای اقتصاددانان مسلمان باشد. بر همین اساس در طول این تحقیق با بیان مبانی اقتصاد متعارف، به نوعی مقایسه بین اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف در بحث عقلانیت و بعد تأثیر آن بر امنیت اقتصادی پرداخته می‌شود.

با توجه به سه حوزه مذکور، برای محدودتر شدن بحث و توصیف بهتر جایگاه عقل در اقتصاد اسلامی به بررسی حوزه دوم در این تحقیق پرداخته می‌شود. می‌توان مسئله را این‌گونه شرح داد که، یکی از لوازم نظریه‌پردازی در علوم و از جمله اقتصاد، تدوین پیش‌فرض‌های مربوط به نظریه‌های آن است. علم اقتصاد نیز مانند سایر علوم، دارای پیش‌فرض‌هایی است، که از آن جمله می‌توان به پیش‌فرض‌های انسانی اشاره کرد که در مورد رفتار و ویژگی‌های انسان‌ها سخن می‌گوید. مهم‌ترین پیش‌فرض انسانی اقتصاد، فرض رفتار عقلانی است. در واقع یک پیش‌فرض اساسی برای رفتار عاملان اقتصادی، عقلانیت است. در اقتصاد عقلانیت، ابزار تصمیم‌گیری انسان برای رفتارهای اقتصادی - در چارچوب خاصی - تلقی می‌شود و رفتار مطابق با این چارچوب را رفتار عقلانی و مبنای این رفتار را عقلانیت می‌نامند. بررسی عقل به عنوان یکی از مبانی معرفت‌شناسی می‌تواند بر این پیش‌فرض تأثیر مهمی داشته باشد.

از بین مباحث و نظریه‌های مختلف اقتصادی، در این تحقیق به بررسی تأثیر عقلانیت در اقتصاد اسلامی بر مبحث امنیت اقتصادی پرداخته می‌شود. به طور کلی یکی از تعاریف امنیت، حفظ ارزش‌های اساسی و حیاتی مورد قبول جامعه است. حال این که ارزش‌های اساسی در هر جامعه‌ای بر چه مبنا و چگونه تعیین شود، بسته به جهان بینی و بینش هر انسانی به هستی، خداوند و زندگی و ... دارد. بر این اساس، مفهوم امنیت - از جمله امنیت اقتصادی - شامل قلمروهای فردی و اجتماعی و زمینه‌های داخلی و خارجی و فکری و روحی و اخلاقی و اعتقادی، دنیوی و اخروی می‌شود. این مفهوم و وجود آن وابسته به امکانات و توانایی‌های هر فرد و جامعه است و نباید آن را صرفاً به امکانات و تجهیزات نظامی و یا اندازه‌های مادی و فیزیکی و یا عناصر اقتصادی و مانند آن تعریف



کرد. بلکه مفهومی عمیق تر، ظریف تر و فراگیرتر از مفاهیم یاد شده دارد و بر ابعاد روحی، فکری، فرهنگی، اخلاقی، معنوی، اعتقادی و ارزش های الهی نیز اتکا دارد.

بدین ترتیب امنیت اقتصادی متأثر از عوامل اقتصادی و غیراقتصادی است و از جمله مسائل تأثیرگذار بر آن می تواند بحث عقلانیت باشد که بنا است در این تحقیق به آن پرداخته شود. به طور کلی عقلانیت را می توان در سه سطح بررسی نمود:

۱. عقلانیت در مقیاس کلی، که به آن عقلانیت بنیادین و حکمت گفته می شود. در این سطح شناخت فلسفه حیات و موقعیت حساس و استثنایی انسان در آن و شأن و جلالت عقل در تنظیم رابطه انسان با جهان و با خدای متعال، مد نظر قرار می گیرد. این عقلانیت به ویژه بر موضوعاتی چون جهان بینی، الهیات و انسان شناسی متمرکز است. در واقع این سطح از عقلانیت است که اهداف را به انسان نشان می دهد. حال باید دید که اسلام در این سطح چه اهدافی را برای زندگی انسان مطرح می کند؟

۲. عقلانیت و ارزش ها، که به تعبیری عقلانیت اخلاقی نیز خوانده می شود. هنگامی که در سطح اول عقلانیت، اهداف انسان مشخص شد، باید دید که چه چیزهایی در راه رسیدن به این اهداف ارزش تلقی می شوند و چه چیزهایی ضد ارزش. و یا این که در اسلام، عقل چه چیزهایی را ارزش می داند و از آنها به عنوان فضایل اخلاقی یاد می کند؟ آیا مفهوم "خود" و یا "سود" در نظر اسلام همان مفاهیم دنیای غرب را شامل می شود و یا این که ابعاد گسترده تری را در بردارد؟

۳. عقلانیت ابزاری یا عقل معیشت: از ملزومات این عقلانیت، دقت، جمع آوری اطلاعات کافی، استنتاج صحیح، تجربه و استقراء، محاسبه، اندازه گیری، نظم، پیش بینی، سازمان دهی، بررسی احتمالات، مشورت و مطالعه جوانب مختلف یک تصمیم، بررسی مناسبت وسیله با اهداف، زمان بندی صحیح و پیش بینی عواقب احتمالی یک کنش اقتصادی یا اجتماعی، رفتار و مدیریت علمی و سنجیده، تقسیم کار، مسئولیت پذیری اجتماعی، میل به کار و تلاش، احترام به مالکیت شخصی و حق ابتکار فردی است. گفته می شود که مراد اصلی جامعه شناسان غربی و تئوری پردازان توسعه از عقل و عقلانیت که از آن به عقلانیت ابزاری تعبیر کرده اند، صرفاً همین سطح از عقل است. سهم مهمی از شاخص های توسعه یافتگی به همین سطح از عقلانیت مربوط است. در این جا این سؤال پیش می آید که آیا اسلام هر وسیله و ابزاری را به هر گونه که باشد برای رسیدن انسان به اهدافش قبول دارد؟

با بررسی این سه سطح می توان به تفسیری از عقلانیت اسلامی دست یافت و همان گونه که ذکر شد، از آن به عنوان یک پیش فرض اساسی در نظریه های اقتصادی می توان استفاده کرد و بر مبنای آن نظریه ها و تئوری های مخصوص اقتصاد اسلامی را ارائه کرد.

البته ذکر این نکته ضروری است که در کل این تحقیق، به منظور داشتن دقت کافی و بیان جزئیات، هر جا که سخن از اقتصاد متعارف و یا سرمایه داری به میان می آید، منظور اقتصاد لیبرال محض یا همان اقتصاد کلاسیک است، بدون این که به بررسی انواع دیگر مکاتب اقتصادی مثل نئوکلاسیک، سوسیالیسم، نهادگرا و ... پرداخته شود.

لذا با توجه به مطالب ذکر شده در این تحقیق ابتدا به بررسی جایگاه عقل در اسلام پرداخته خواهد شد تا به وسیله آن مشخص شود که تحلیل های عقلی تا چه حد در اسلام و به ویژه در اقتصاد اسلامی جایگاه دارند و سپس به بررسی مفهومی که عقلانیت در اقتصاد اسلامی و اقتصاد سرمایه داری دارد، پرداخته می شود و در پایان تاثیر عقلانیت تعریف شده در اقتصاد اسلامی بر امنیت اقتصادی بررسی می شود.

### ۱-۳) ضرورت انجام تحقیق :

امروزه، چالش اصلی فکری در جوامع اسلامی، چالش میان اندیشه های لیبرالیستی و تفکرات اسلامی است. حفظ و صیانت فکری مسلمانان، اقتدار بخشیدن به جوامع مسلمان، ارائه الگویی موفق از حکومت اسلامی و... مستلزم استمرار مطالعات تطبیقی و مقایسه ای در زمینه های نظری و کاربردی است. البته از نظر منطقی، مطالعات نظری پیرامون اصول و مبانی، مقدم بر هر گونه مطالعه در زمینه های کاربردی است. بدون تبیین آن مبانی، مطالعات کاربردی استواری لازم را نخواهد داشت و راه به جایی نخواهد برد. مطالعات مبنایی نیز مشروط به آن که به صورت عمیق باشد و با عمق بخشیدن به این مباحث برغناهی آنها افزوده شود تا بتواند زوایای پنهان اندیشه اصیل اسلامی را آشکار سازد و بر توانایی آن برای پاسخگویی به نیازهای معقول زمانه بیفزاید.

از بعد جهان بینی، مسائل اقتصادی ارتباط تنگاتنگ و ریشه ای با مبانی و مفاهیم مبنایی جهان بینی ها و ایدئولوژی ها دارد. گر چه اقتصاددانان خیلی سعی کرده اند مسائل اقتصادی را به عنوان علم اقتصاد مجزا از مبانی فلسفی جهان بینی ها و ایدئولوژی ها مطرح کنند، به تدریج به این واقعیت پی برده شد که جهان بینی و اعتقادات و مفاهیمی که جامعه و افراد به آن ها اعتقاد دارند فوق العاده در مسائل اقتصادی مؤثرند. خیلی از بحث های اقتصادی مبتنی بر تحلیل های اعتقادی یا به اصطلاح مبتنی بر یک سلسله پیش فرض های اعتقادی است. مثلاً وقتی انسان اقتصادی را تعریف

می‌کنند، انسان را دارای مفهوم مشخصی از سود، زیان و مسائل دیگر فرض می‌کنند و بعد تحقیقات اقتصادی فراوانی را بر اساس این پیش‌فرض‌ها که صرفاً مربوط به جهان بینی یک مکتب در مورد انسان است، پی‌ریزی می‌کنند. نمی‌توان مسائل اقتصادی را مجزا از مبانی فلسفی دانست و برای اعتقادات نقشی در مسائل اقتصادی و حتی مکانیزم‌های اقتصادی قائل نشد. تمام مسائل اقتصادی تحت تأثیر مفاهیم مبنایی اعتقادات و ایدئولوژی‌ها قرار دارد. لذا می‌بایست با مطالعات مبنایی و ایدئولوژیکی به بررسی تأثیر مسائل اعتقادی بر مکانیزم‌های اقتصادی در هر مکتبی پرداخت تا از این رهگذر بتوان مشکلات موجود در اقتصاد جوامع را به طور ریشه‌ای حل کرد. بر این اساس بررسی عقل به عنوان یکی از مبانی معرفت‌شناسی که می‌تواند بر فلسفه علم اقتصاد تأثیر بگذارد می‌تواند راه‌گشای حل مسائل اقتصادی باشد. به عبارت دیگر عقل، اساسی‌ترین ابزار شناخت آدمی به شمار می‌آید. بدون باور به شناخت‌های عقلانی، پذیرش هیچ شناخت دیگری میسر نمی‌باشد. دین اسلام همانند سایر ادیان راجع به عقل و جایگاه آن به عنوان یک منبع شناخت نظرانی و دیدگاهی دارد. بررسی این دیدگاه‌ها مسلمانان را در شناخت هر چه بیشتر اسلام یاری می‌کند. لذا بایستی به بررسی عمیق این دیدگاه پرداخت تا به وسیله آن با شناخت هر چه بیشتر اسلام، بتوان به سؤالات سایر ادیان نیز پاسخ گفت.

در حوزه مباحث نظری و تطبیقی اقتصاد اسلامی در ایران نکات مهمی قابل بحث و بررسی است و شایسته است حداقل در حوزه نظریه‌پردازی مورد دقت صاحب‌نظران اقتصاد اسلامی قرار گیرد؛ تبیین دقیق این موارد می‌تواند کمک فکری مناسبی را در اختیار تصمیم‌گیران کلان کشور قرار دهد. امنیت از جمله مباحثی است که نزد سیاستمداران و صاحب‌نظران و همچنین مردم عادی، بازرگانان و تجار از اهمیت برخوردار است. می‌توان گفت که آن چه می‌تواند تحقق اهداف و آرمان‌ها و ارزش‌های یک فرد یا گروه یا دولت را تضمین کند، امنیت است. از آنجایی که امنیت اقتصادی یکی از مهم‌ترین ابعاد امنیت ملی تلقی می‌شود و مجموعه مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده امنیت اقتصادی برای حرکت به سوی ثبات، پایداری و امنیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی هر جامعه استفاده می‌شود. هر چه کشورها بتوانند محیط باثبات‌تری برای ایجاد سرمایه‌گذاری فراهم کنند، سرمایه‌گذاران بیشتری را به خود جلب کرده و رفاه بیشتری را برای کشورشان ایجاد کنند.

از طرف دیگر از آنجایی که انسان بر حسب زندگی اجتماعی اش، در تعامل با افراد دیگر است و این ساختار در صورتی تداوم می‌یابد که بتواند به دور از نگرانی و ترس، به زندگی فردی و اجتماعی خود ادامه دهد و با امید به آینده در زمینه‌های مختلف زندگی سرمایه‌گذاری کند؛ بنابراین می‌توان گفت که یکی از نیازهای اولیه و ضروری جوامع بشری امنیت است و بر همین اساس در مکتب

اسلام هم امنیت و از جمله امنیت اقتصادی و برقراری آن دارای اهمیت است. به طوری که اسلام آن را زمینه ساز رشد معنوی و پیش شرط توسعه اقتصادی معرفی می‌کند. لذا در این تحقیق سعی شده است با تبیین جایگاه عقل در اسلام به بررسی عقلانیت در اقتصاد اسلامی پرداخته شود و سپس به بررسی تاثیر عقلانیت تعریف شده در اقتصاد اسلامی بر امنیت اقتصادی پرداخته می‌شود.

### ۱-۴) سابقه تحقیقات و مطالعات انجام گرفته :

مطالعات مختلفی در مورد موضوع عقلانیت توسط اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان انجام گرفته است اما کمتر به طور خاص به بحث جایگاه عقل در نظریه پردازی در اقتصاد اسلامی پرداخته شده است در ذیل به برخی از این مطالعات اشاره شده است:

انصاری و دیگران (۱۳۷۸) در کتاب « مبانی درآمدی بر اقتصاد خرد با نگرش اسلامی»، با اشاره به این مطلب که انسان‌ها رفتارهای متفاوتی از یکدیگر دارند و هر یک نیاز به علم اقتصاد جداگانه‌ای خواهند داشت، تحلیل‌های اقتصاد خرد متعارف برای همه جوامع را، مناسب نمی‌داند. لذا وظیفه محققان اسلام شناس را این می‌دانند که با توجه به اهداف، بینش‌ها، آرمان‌ها و رهنمودهای دینی، علم اقتصاد نوی بنا نهند. آن‌ها علت عدم موفقیت اقتصاددانان مسلمان را در تبیین چنین علمی، عدم توانایی آن‌ها در تشریح پیشرفت‌های ارزشی و راهبردی مناسب با اقتصاد اسلامی می‌دانند. آن‌ها در کتاب خود، با توجه به این‌که گام اول را تشخیص پیش‌فرض‌های رفتاری جامعه اسلامی و نقد و بررسی پیش‌فرض‌های جامعه غیر اسلامی می‌دانند، برای ارائه اقتصاد خردی متناسب با جامعه اسلامی، ابتدا در سطح مقدماتی به بیان پیش‌فرض‌ها پرداخته‌اند. در فصل دوم این کتاب به عقلانیت که منطبق رفتار اقتصاد خرد متعارف به شمار می‌رود، اشاره شده است و رفتار عقلایی در اقتصاد متعارف را رفتاری انسانی که با استدلال روشمند و پیش‌بینی پذیر همراه باشد می‌داند که با پی‌جویی منافع دنیوی همراه است. بعد از این مباحث منطقی متناسب با رفتار جامعه اسلامی ارائه می‌شود که با توجه به این‌که هدف در رفتارهای اقتصادی مسلمین متفاوت از افراد غیر مسلمان است و مسلمانان برای نیل به اهداف خود به آخرت نیز توجه دارند و از وحی الهی نیز مدد می‌جویند، آن‌ها را دارای رفتار عقلانی تعبیدی می‌دانند. یکی از تفاوت‌های رفتار عقلانی تعبیدی با رفتار عقلانی در اقتصاد متعارف در این است که رفتار عقلانی در اقتصاد متعارف از عقل عملی سرچشمه می‌گیرد و مستقیماً مربوط به رفتار است اما پذیرش رفتار عقلانی تعبیدی از عقل نظری ناشی می‌شود.